

دلایل و پی آمدهای غفلت از معاد

<"xml encoding="UTF-8?">

1. علل غفلت از معاد

(الف) از دیدگاه قرآن از آن جا که شناخت علل و زمینه های غفلت از معاد، به منزله یکی از پیش نیازهای اصلی راه حل های این مسئله به شمار می رود، در این بخش نخست به بررسی دلایل این معضل از دیدگاه قرآن می پردازیم.

نپذیرفتن آیات حق إِنَّ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا لَا تُفَتَّحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَ لَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ وَ كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُجْرِمِينَ لَهُمْ مِنْ جَهَنَّمَ مِهَادٌ وَ مِنْ فَوْقِهِمْ غَوَاشٍ وَ كَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ. (اعراف: 40 و 41)

در حقیقت، کسانی که آیات ما را دروغ شمردند و از [نپذیرفتن] آنها تکبر ورزیدند، درهای آسمان را برایشان نمی گشایند و در بهشت در نمی آیند، مگر آنکه شتر در سوراخ سوزن داخل شود و بدین سان بزهکاران را کیفر می دهیم. برای آنان از [آتش] دوزخ بستری و از بالایشان پوشش هاست و این گونه، بیدادگران را سزا می دهیم. پیام:

برخلاف آنکه درهای رحمت آسمانی و زمینی خدا به روی مؤمنان باتقوا باز می شود، درهای آسمان به روی کافران معاند و تکذیب گر بسته است. [1]

وَ قَالَ مُوسَى إِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَ رَبِّكُمْ مِنْ كُلِّ مُتَكَبِّرٍ لَا يُؤْمِنُ بِيَوْمِ الْحِسَابِ. (غافر: 27)
و موسی گفت: من از هر مستکبری که به روز حساب عقیده ندارد، به پروردگار خود و پروردگار شما پناه برده ام. پیام:

ایمان نداشتن به حساب رسی روز قیامت، انسان را متکبر می کند. [2]

پذیرفتن ولایت شیطان قَرِيبًا هَدَى وَ قَرِيبًا حَقَّ عَلَيْهِمُ الضَّلَالَةُ إِنَّهُمْ اتَّخَذُوا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُهْتَدُونَ. (اعراف: 30)

[در حالی که] گروهی را هدایت کرده و گروهی گمراهی بر آنان ثابت شده است؛ زیرا آنان شیاطین را به جای خدا دوستان [خود] گرفته اند و می پندارند، راه یافتگانند. پیام:

نتیجه بریدن از خدا و پذیرفتن ولایت شیطان، غفلت از معاد است. [3]

تَكْبَرُ إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ قُلُوبُهُمْ مُنْكَرَةٌ وَ هُمْ مُسْتَكْبِرُونَ. (نحل: 22)
معبود شما معبودی است یگانه. پس کسانی که به آخرت ایمان ندارند، دل هایشان انکارکننده [حق] است و

خودشان متکبرند.

پیام:

انکار معاد، در حقیقت انکار مبدأست. توحید و معاد به هم وابسته اند. [4]

اثربخشی از کافران فَلَا يَصُدُّكَ عَنْهَا مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِهَا وَ اتَّبَعَ هَوَاهُ فَتَرْدَى . (طه: 16)

پس هرگز نباید کسی که به آن ایمان ندارد و از هوس خویش پیروی کرده است، تو را از [ایمان به] آن باز دارد که هلاک خواهی شد.

پیام:

ایمان به معاد، بهترین عامل برای کنترل هواپرستی است؛

سازش با کفار و افراد بی ایمان، مایه نابودی و بدبختی در روز قیامت است. [5]

تعصب و جوسازی وَ هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَ كَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَ لَئِنْ قُلْتُمْ إِنَّا نَكُفِّرُ عَنْكُمْ مَبْعُوثُونَ مِنْ بَعْدِ الْمَوْتِ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ وَ لَئِنْ أَخَّرْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَى أُمَّةٍ مَعْدُودَةٍ لَيَقُولُنَّ مَا يَحْبِسُهُ أَلَا يَوْمَ يَأْتِيهِمْ لَيْسَ مَصْرُوفًا عَنْهُمْ وَ حَاقَّ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ. (هود: 7 و 8)

و اوست کسی که آسمان ها و زمین را در شش هنگام آفرید و عرش او بر آب بود تا شما را بیازماید که کدام یک نیکوکارترید و اگر بگویید: «شما پس از مرگ برانگیخته خواهید شد»، قطعاً کسانی که کافر شده اند، خواهند گفت: این [ادعا] جز سحری آشکار نیست و اگر عذاب را تا چند گاهی از آنان به تأخیر افکنیم، حتماً خواهند گفت: «چه چیزی آن را باز می دارد؟» آگاه باش! روزی که [عذاب] به آنان برسد، از ایشان بازگشتنی نیست و آنچه را مسخره می کردند، آنان را فرو خواهد گرفت.

پیام :

منکران معاد برهان ندارند و فقط تهمت سحر و خیال بافی می زنند؛

تأخیر در عذاب نشانه لطف خداست، نه دلیل ضعف خدا. پس نباید آن را مسخره کرد؛

شیوه برخورد کفار، مسخره کردن باورهای دینی از جمله معاد و بازگشت در روز قیامت است. [6]

(ب) در جامعه کنونی

یک- حاکمیت نظام سرمایه داری و ترویج فرهنگ غربی نظام سرمایه داری، مجموعه ای از اصول فکری، مبانی نظری، گرایش های عملی و امور اجتماعی است که امروزه بر مغرب زمین سایه افکنده است. این نظام در بعد اقتصادی، بر پایه معادلات اقتصاد آزاد شکل گرفته و از تئوری تمرکز و حاکمیت سرمایه پیروی می کند. این نظام در بعد فرهنگی نیز دیدگاه های سکولاریستی را ترویج می کند و بر طبل جدایی دین از سیاست می کوبد و همچنین با کم رنگ ساختن اعتقاد به خدا و ماورا و محصور کردن دین داری در دو حیطه تعریف شده رابطه فردی انسان با خدا و محدود ساختن آن به چند ساعت در طول هر هفته، حاکمیت روابط مادی در عرصه روابط اجتماعی را تأیید می کند و ماده پرستی و تقدس زدایی را سرلوحه سیاست های خود قرار می دهد. نظام سرمایه داری، سال هاست حرکت پرشتاب خود را برای جهانی شدن و سلطه بر سرنوشت انسان ها و جوامع آغاز کرده و

در این مسیر، پیچیده ترین نرم افزارها (الگوها، برنامه ها و...) و مدرن ترین سخت افزارها (شرکت های چندملیتی، نیروهای نظامی و رسانه های ارتباطی و خبری) را به کار گرفته است. کم رنگ شدن ارزش های دینی و فراموشی باورهای معنوی، از جمله اعتقاد به زندگی اخروی و فناپذیری این دنیا، از پی آمدهای این فرهنگ منحط است.

با از بین رفتن روحیه جهاد و دفاع و اعمال برخی سیاست های نادرست، دوره ای جدید آغاز شد که یکی از اصلی ترین ویژگی های آن، فاصله گرفتن تدریجی از باورها و ارزش های دینی و روی آوردن به لذت های مادی و دنیوی است. بدین ترتیب، توجه انسان امروزی به ارزش های مادی مانند افزون خواهی، تجمل گرایی و مصرف گرایی و در یک کلام، به سوی ویژگی های نکوهیده و ناپسندی چون تکاثر و تکبر و مانند آن کشیده شد؛ مفاهیمی که در نگاه قرآن از عوامل روی گردانی انسان از «معاد» و به تبع آن «مبدأ» است. گرچه مکتب اسلام هیچ کس را از بهره مندی از نعمت های الهی باز نداشته، ولی روند روبه رشد مصرف گرایی در قشرهای گوناگون و ظهور نشانه های اسراف، تبذیر که نشانه هایی برجسته از نفوذ فرهنگ «معادگریز» غرب است، زنگ خطر را برای جامعه ما به صدا درآورده است.

آمارهای منتشر شده بیان کننده آن است که میانگین مصرف نان، آب سالم آشامیدنی، سوخت و دیگر انواع انرژی، محصولات کشاورزی، مواد غذایی، دارو و پوشاک در کشور ما از استانداردهای بین المللی بالاتر است. [7] همچنین ساختمان سازی و لوکس کردن ساختمان ها، دکوراسیون اتاق مدیران و پیشرفت وسایل حمل و نقل و پذیرایی، نشان از یک الگوی مصرف غیرمنطقی است که بی شک، در میان مدت و بلندمدت در بینش و گرایش همه افراد جامعه به «معاد» بی تأثیر نخواهد بود.

بی شک، گرایش به تجمل و رفاه و میل فراگیر به استفاده از بهترین، زیباترین و گران قیمت ترین کالاها و خدمات و رو کردن به استفاده از کالاهای خارجی، مجلل بودن دفترهای کار و وسایل نقلیه مسئولان و نحوه برگزاری همایش ها، خلاف اعتقاد به اصل بودن زندگی اخروی، ناپایداری دنیا و وابستگی نداشتن به آن و لذت های آن است.

در یک نگاه، «فرهنگ غرب» را باید «فرهنگ غفلت» معنا کرد که با سیطره بر رسانه های جمعی جهان و ایجاد ویتترین های جذاب و فریبنده برای انسان امروز، چنین تصمیم می گیرد که انسان امروزی چه بخورد، چه بپوشد، چگونه زندگی کند و حتی چگونه بمیرد. او به انسان امروزی هرگز اجازه تدبر و تفکر به آنچه را پیامبران الهی بر آن تأکید داشته اند و در کتب آسمانی به آن سفارش شده است نمی دهد؛ تدبر و تفکر در اینکه او از کجا آمده است و به کجا می رود؟!

دو- ضعف باورهای دینی باورهای دینی و الهی، نقش محوری در شکل دهی و کنترل رفتارهای انسان ایفا می کند؛ زیرا به دلیل هماهنگی با فطرت و ساختمان آفرینش، تا عمیق ترین لایه های وجود انسان ریشه دارد و چون از یک جهان بینی سرچشمه می گیرد، امور گوناگون را در گستره وسیع جهان مادی و جهان آخرت ارزیابی می کند. آن گاه که انسان مؤمن و معتقد در جایگاه انتخاب قرار می گیرد، پیش از آنکه به منافع زودگذر و مقطعی توجه کند، به مسئولیت خود در برابر خداوند می اندیشد و رفتارهای خود را دست کم بر مبنای رهایی از مجازات ها و امید به پاداش های الهی و بیشتر براساس رضایت خدا تنظیم می کند. بنابراین، یکی از دلایل فراموشی معاد، تقلید نداشتن به واجبات و تکالیف دینی و ضعف باورهای مذهبی است.

به عبارت دیگر، درونی و نهادینه نشدن باورهای دینی، سبب سستی و سهل انگاری در رفتار می شود و میزان پای بندی مردم به احکام عملی دین را کاهش می دهد و این تصور را پدید آورده است که انسان می تواند مسلمانی معتقد و باایمان باشد، ولی براساس ذوق و سلیقه یا برداشت خود از دین، به برخی احکام مانند احکام حجاب و پوشش عمل نکند یا درآمد خود را از راه هایی کسب کند که به نظر شخصی او درست است.

در یک نگاه دقیق تر، نهادینه نشدن باورها و اصول اعتقادی دین از جمله معاد یا انتقال آنها از راه تحمیل یا تقلید از سوی خانواده و جامعه، سبب تشکیل نظام ارزش ها و باورها بر پایه های سست و شکننده می شود و زمینه را برای فراموشی یا حتی انکار باورهای دینی فراهم می سازد. این در حالی است که اسلام، دین علم و آگاهی است و بر ایمان و اعتقادی که بر پایه شک و تزلزل باشد، مهر بطلان می زند.

سه- نهادینه نشدن اصول اعتقادی از جمله معاد، از سنین کودکی درونی نشدن اعتقاد به اصول دین از جمله اعتقاد به وجود معاد و زندگی جاودانی در سرای آخرت، از سنین کودکی که شخصیت، باور و افکار انسان از همان زمان شکل می گیرد، از آسیب های جدی در جامعه دینی ماست. پذیرفتن اصول دین مانند معاد، تحت تأثیر تلقین های والدین یا مبلغان کم اطلاع و دست یابی نداشتن به این اعتقاد از روی بینش و آگاهی درست، از دوران کودکی، موجب سستی اعتقاد در دوران نوجوانی و به فراموشی سپردن آن در بزرگ سالی می شود.

بسیاری از خانواده ها به دلیل توجه نداشتن به ظرایف و حساسیت های تربیتی و نیازهای اصلی و حقیقی فرزندان و نیز نداشتن قدرت توجیه و اثبات و نهادینه کردن اصول اعتقادی و ارزش های دینی در فرزندان خود، دچار افراط و تفریط می شوند و به طور غیرمستقیم و ناخواسته، بنیان اعتقادی فرزندان خود را سست و شکننده می سازند. ازاین رو، بایسته است والدین، مربیان و مبلغان دینی در مسیر هدایت کودکان به معادباوری، از مؤلفه های روان شناختی استفاده کنند. برجسته سازی اجر و پاداش، بیان زیبایی بهشت و حیات اخروی، میانه روی در ترسیم دوزخ، پروردگار را ناظر بر خویش دیدن و تلاش بر نزدیکی و دوستی با خدا از مسائلی است که باید در این مسیر رعایت شود.

چهار- توجه نکردن به شبهات وجود شبهه ها و ابهام های گوناگون درباره مسائل اعتقادی از جمله معاد، به ویژه در میان قشر تحصیل کرده و دانشجو، موضوعی است که باید به آن توجهی عمیق داشت. به طور کلی می توان عوامل گوناگونی را در رواج شبهه و تردید در مسائل اعتقادی دخیل دانست، عواملی چون ناآگاهی عمومی، سودجویی شخصی، اختلاف نظرهای نخبگان و اندیشمندان و مهم تر از همه تردیدآلود بودن فضای فکری و فرهنگی جامعه و به عبارت دقیق تر، شفاف نبودن مرزهای ارزشی، سبب رواج شبهه های فکری و اعتقادی در سطح جامعه می شود.

بی شک، در جامعه ای که مرزهای ارزشی روشن و حد و حدود هنجارها از ناهنجارها، حلال ها از حرام ها و ارزش ها از ضد ارزش ها به دقت مشخص شود یا برای تعریف و توصیف آنها ملاک و معیار مشخصی در نظر گرفته شود، برخورد با شک و شبهه ها امری آسان است.

به دلیل گسترش ارتباطات و افزایش دامنه تبادل اطلاعات و اخبار، حجم فراوانی از پرسش ها و شبهه ها در ذهن جست و جو گر جوانان پدید آمده است. ازاین رو، باید مسئولان امور فرهنگی و تربیتی، هم زمان رشد و توسعه این امر و پیدایش شبهه های جدید، اندیشمندان و پژوهشگران را بسیج کنند و با طراحی مراکز مناسب برای

پاسخ گویی به پرسش های آنان، نه تنها از رشد و تکثیر عوامل گمراهی و فساد جلوگیری کنند، بلکه قشر جوان را در برابر آنها واکسینه سازند.

پنج- برداشت نادرست از مفاهیم دینی یکی از آسیب های جدی در جامعه را می توان برداشت نادرست مردم از برخی معارف و مفاهیم دینی برشمرد؛ برداشتی که در آن، مفاهیم دینی معنای درست و حقیقی خود را از دست داده و معنای دیگری به خود گرفته اند. در این گونه برداشت ها، معارف و مفاهیم، جنبه حیات بخشی و ایجاد نشاط در نیکوکاری را از دست می دهند و سستی، رخوت و اباحه گری را القا می کنند.

یکی از این معارف و مفاهیم، بحث «شفاعت» است که برداشت نادرست از آن موجب شده است برخی گمان کنند این مسئله، سند رهایی آنان از عقاب الهی در برابر هرگونه زشتی و پلیدی است. ازاین رو، در قبال اعمال و رفتار خود هیچ احساس مسئولیتی نمی کنند، در حالی که مفهوم شفاعت هرگز به معنای چشم پوشی خداوند سبحان از کردارها و رفتارهای ناشایست بندگان نبوده و نیست.

مفهوم دیگری که گاه از آن نادرست برداشت می شود، مفهوم تقواست که از آن به «گریز» تعبیر می شود. در تقواگریزی، فرد با فرار از واقعیت های جامعه و در پیش گرفتن تنهایی و گوشه نشینی، به فردی بی خاصیت و حتی سربرار جامعه تبدیل می شود که هیچ کنش یا واکنشی از او در برابر هنجارها و ناهنجاری های جامعه دیده نمی شود.

در این نوع تقوا، باور «معاد»، با تلاش برای پویایی جامعه، کارآفرینی، حضور در عرصه های اجتماعی و مبارزه با منکرات در حوزه های گوناگون پیوند نخورده، بلکه با چارچوبه بسته ای گره خورده است که راه را برای گسترش فسادهای اخلاقی و فکری مهیا می کند که پی آمد آن، «معادگریزی» افراد جامعه است.

شش- غفلت از آموزه های دینی یکی دیگر از عوامل فراموشی معاد و اعتقاد به زندگی پس از مرگ، فراموشی بخشی از آموزه های دینی به ویژه بخش های بنیادین و اساسی دین است. نادیده گرفتن آموزه هایی چون امر به معروف و نهی از منکر، به تدریج موجب می شود هر فرد، مسئولیت خود را در برابر اعمال و رفتار ناشایست دیگران فراموش کند و غفلت زدگی از جهان آخرت در جامعه رواج یابد.

امروزه مفاهیمی مانند توکل، زهد، انتظار، قضا و قدر، جبر و اختیار، صبر، قناعت، ایثار و مانند آن کم رنگ شده و غفلت از آنها سبب گسترش مفاهیم ضد آن چون سستی، ناامیدی، جهل و بی مسئولیتی شده است. برای نمونه وقتی امر به معروف و نهی از منکر ترک شود، غیرت دینی رخت برمی بندد و گناه نمود عینی می یابد. اگر فرهنگ قناعت در جامعه نهادینه نشود، افزون خواهی، چشم و هم چشمی و تجمل گرایی در جامعه بروز می کند و موجب فراموشی آخرت و آخرت گریزی می شود. اهتمام نداشتن و سرمایه گذاری نکردن برای نهادینه ساختن اصول اعتقادی و ارزش های اخلاقی، آن هم از سوی انقلابی که به «انقلاب فرهنگی» شهرت دارد و بر پایه فرهنگ معادباور «شهادت» و «ایثار» پیروز شده است، می تواند جامعه را با نگرانی جدی روبه رو سازد. ازاین رو، توجه کردن به فرمان های رهبری درباره «فرهنگ» و آموختن و فراگیر ساختن نگاه مبدأ و معاد بر عرصه ها و حوزه های هنری می تواند موجب برون رفت جامعه شود.

سلطه گری و زورمداری آنان که روز جزا را دروغ می پندارند و جز هر تجاوزپیشه گناه کاری، آن را به دروغ نمی گیرد، [همان که] چون آیات ما بر او خوانده شود، گوید: « [اینها] افسانه های پیشینیان است». (مطففین: 13)

مفاسد اقتصادی وای بر کم فروشان که چون از مردم پیمانه ستانند، تمام ستانند و چون برای آنان پیمانه یا وزن کنند، به ایشان کم دهند. مگر آنان گمان نمی دارند که برانگیخته خواهند شد، [در] روزی بزرگ؛ روزی که مردم در برابر پروردگار جهانیان به پای ایستند. (مطففین: 1 و 6)

هرزباوری و پذیرش سخن باطل و بدین گونه برای هر پیامبری، دشمنی از شیطان های انس و جن برگماشتیم. برخی از آنها [دشمنان] به برخی، برای فریب [یکدیگر]، سخنان آراسته القا می کنند و اگر پروردگار تو می خواست، چنین نمی کردند. پس آنان را با آنچه به دروغ می سازند، وا گذار! و [چنین مقرر شده است] تا دل های آنان که به آخرت ایمان نمی آورند، به آن [سخن باطل] بگراید و آن را بپسندند تا آنچه را باید به دست بیاورند، به دست آورند. (انعام: 112 و).

بگو گواهان خود را که گواهی می دهند به اینکه خدا اینها را حرام کرده است، بیاورید! پس اگر هم شهادت دادند، تو با آنان شهادت مده و هوس های کسانی را که آیات ما را تکذیب کردند و کسانی که به آخرت ایمان نمی آورند و [معبودان دروغین را] با پروردگارشان همتا قرار می دهند، پیروی مکن! (انعام:)

بهانه تراشی و حق ستیزی و تکذیب پیامبران و چون آیات روشن ما بر آنان خوانده شود، آنان که به دیدار ما امید ندارند، می گویند: «قرآن دیگری جز این بیاور یا آن را عوض کن!» بگو: « مرا نرسد که آن را از پیش خود عوض کنم. جز آنچه را که به من وحی می شود پیروی نمی کنم. اگر پروردگارم را نافرمانی کنم، از عذاب روزی بزرگ می ترسم». (یونس: 15)

و اشراف قومش که کافر شده و دیدار آخرت را دروغ پنداشته بودند و در زندگی دنیا آنان را مرفه ساخته بودیم، گفتند: «این [مرد] جز انسانی مانند شما نیست؛ از آنچه می خورید، می خورد و از آنچه می نوشید، می نوشد... او جز مردی که بر خدا دروغ می بندد، نیست و ما به او اعتقاد نداریم. (مؤمنون: و 38)

ریاکاری ای کسانی که ایمان آورده اید، صدقه های خود را با منت و آزار باطل مکنید، مانند کسی که مالش را برای خودنمایی به مردم انفاق می کند و به خدا و روز بازپسین ایمان ندارد. پس مثل او چون مثل سنگ خاراوی است که بر روی آن خاکی [نشسته] است و رگباری به آن رسیده و آن [سنگ] را سخت و صاف بر جای نهاده است. آنان [= ریاکاران] نیز از آنچه به دست آورده اند، بهره ای نمی برند و خداوند، گروه کافران را هدایت نمی کند. (بقره: 264)

و کسانی که اموالشان را برای نشان دادن به مردم انفاق می کنند و به خدا و روز بازپسین ایمان ندارند و هر کس شیطان یار او باشد، چه بدهمدمی است. (نساء: 38)

اسارت در پوچی و جاذبه های مادی بگو آیا شما را از زیان کارترین مردم آگاه سازیم؟... این دوزخ سزای آنان است؛ چرا که کافر شدند و آیات من و پیامبرانم را به ریشخند گرفتند. (کهف: 103 و 106)

کسانی که به آخرت ایمان ندارند، کردارهایشان را در نظرشان بیاراستیم [تا همچنان] سرگشته بمانند. برای آنان عذابی سخت خواهد بود و در آخرت، خود، زیان کارترین مردمند. (نمل: 4 و 5)

پس هرچه را غیر از او می خواهید، بپرستید، ولی به آنان بگو زیان کاران در حقیقت کسانی هستند که به خود و اقوامشان در روز قیامت زیان رسانده اند؟ آری، این همان خسران آشکار است. (زمر: 15)

آنان را می بینی [که چون] بر [آتش] عرضه می شوند، از [شدت] زبونی فروتن شده اند، زیرچشمی می نگرند و کسانی که گرویده اند، می گویند: «در حقیقت، زیان کاران کسانی هستند که روز قیامت، خودشان و اقوامشان را دچار زیان کرده اند. آری، ستم کاران در عذابی پایدارند». (شوری: 45)

و فرمانروایی آسمان ها و زمین از آن خداست و روزی که رستاخیز بر پا شود، آن روز است که باطل اندیشان زیان خواهند دید. (جاثیه: 27)

خودمحوری و تنگ چشمی و خدا را بپرستید و چیزی را با او شریک نسازید و به پدر و مادر احسان کنید و در حق خویشاوندان و یتیمان و مستمندان و همسایه خویش و همسایه بیگانه و هم نشین و در راه مانده و بردگان خود نیکی کنید که خدا کسی را که متکبر و فخر فروش است، دوست نمی دارد. (نساء: 36)

و اگر به خدا و روز بازپسین ایمان می آوردند و از آنچه خدا به آنان روزی داده است، انفاق می کردند، چه زیانی برایشان داشت و خدا به [کار] آنان داناست. (نساء: 39)

و برای آنان آن دو مرد را مثل بزن که به یکی از آنها دو باغ انگور دادیم و پیرامون آن دو [باغ] را با درختان خرما پوشاندیم و میان آن دو را کشتزاری قرار دادیم. (کهف: 32)

مال و پسران، زیور زندگی دنیایند و نیکی های ماندگار از نظر پاداش، نزد پروردگارت بهتر و از نظر امید [نیز] بهتر است. (کهف: 46)

محروم ماندن از درک پیام حق و چون قرآن بخوانی، میان تو و کسانی که به آخرت ایمان ندارند، پرده ای پوشیده قرار می دهیم. (اسراء:)

پی نوشت ها :

- [1]. محسن قرائتی، تفسیر نور، قم، در راه حق، 1378، ج 4، ص 63.
- [2]. همان، ج 10، ص 243.
- [3]. همان.
- [4]. همان، ج 6، ص 335.
- [5]. همان، ج 7، ص 331.
- [6]. همان، ج 5، ص 274.
- [7]. مؤسسه تحقیقاتی و فرهنگی مفید، مبارزه با فقر، فساد و تبعیض با تمرکز بر نقش راهبردی صدا و سیما، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، 1383، ص 80.
- [8]. عبدالمجید معادی خواه، فروغ بی پایان، فهرست تفصیلی مفاهیم قرآن کریم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد

